

شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدون‌شهر)

یوسف قنبری^۱ - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
احمد حجاریان - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
رحیمه انصاری - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
فاطمه کیانی - دانشجوی کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۰ صص ۷۱-۸۷ تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۹/۱۹

چکیده

مشارکت زنان را به عنوان نیمی از نیروی کار موجود در جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، نمی‌توان نادیده گرفت. بر اساس گزارش F.A.O به کنگره امنیت غذایی، زنان در دهه اخیر به‌طور متوسط ۵۰٪ از تولیدات بخش کشاورزی را برعهده داشتند؛ زیرا آنها در همه مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به‌طور کلی تمامی امور، دوشادوش مردان فعالیت می‌کنند. هدف از این تحقیق، شناسایی و تعیین نقش زنان روستایی در فعالیت بخش کشاورزی و شناخت عوامل مؤثر بر میزان مشارکت زنان و نیز موانع مشارکت زنان در بخش کشاورزی است. روش تحقیق، توصیفی^۰ تحلیلی بوده است و برای جمع‌آوری اطلاعات از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را ۴۲۰۰ نفر از زنان روستایی ۱۵ سال به بالای شهرستان فریدون‌شهر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده فرمول کوکران ۲۵۰ نفر تعیین شد. برای تعیین اعتبار متغیرهای تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن برابر با ۸۵٪ به‌دست آمد. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS، آزمون‌های آماری t تک‌نمونه‌ای و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که زنان روستایی در امور اجتماعی و اقتصادی مشارکت زیادی دارند؛ به‌گونه‌ای که از نظر تعامل اجتماعی تقریباً ۲۵٪ از زنان در تصمیم‌گیری‌های مجامع و تشکل‌ها دارای نقش مؤثری بوده‌اند. از بعد اقتصادی بین ۲۵۰ زن روستایی نمونه تحقیق، ۷۵٪ در امور زراعی، ۶۳٪ در بخش دامداری، ۴۸٪

در بخش صنایع دستی، ۳۲٪ در بخش تولید گلخانه‌ای، ۷۶٪ در بخش پرورش ماکیان، ۴۵٪ بخش در پرورش زنبور عسل و ۷۱٪ در بخش پرورش ماهی قزل‌آلا مشارکت داشته‌اند. همچنین، میانگین مشارکت زنان با استفاده از روش t تک‌نمونه‌ای برابر با ۳/۱ است که نشان‌دهنده سطح مشارکت متوسط تا زیاد است. علاوه بر این، بین متغیرهای تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بُعد خانوار و سن با میزان مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. مهم‌ترین موانع مشارکت زنان نیز وضعیت تأهل، ممانعت مردان و تخصصی نبودن آموزش‌ها بوده است.

کلیدواژه‌ها: مشارکت زنان، اقتصاد روستایی، زنان روستایی، بخش کشاورزی، شهرستان فریدون‌شهر.

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسئله

در دنیای کنونی، با توجه به ساختار نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و رواج بهره‌برداری خانوادگی که بخش عمده نیروی کار آنان را زنان تشکیل می‌دهند، زنان در تولید محصولات کشاورزی نقش مهمی دارند. دگرگون‌سازی نظام موجود به نفع نظامی پایدار که تغییرات گسترده اقتصادی، زیستی و اجتماعی را در دستور کار قرار می‌دهند، تنها در سایه مشارکت تمامی افراد جامعه عملی می‌شود؛ از این رو، نمی‌توان نیمی از جمعیت کشور، آن هم نیمی از توانمندی‌های بی‌پایان؛ یعنی زنان را نادیده انگاشت (شادی‌طلب، ۱۳۷۸: ۲۱۰). به‌کارگیری توانایی‌ها و استعدادهای زنان با هدف بهره‌گیری زیاد از نیروی انسانی جوامع، مستلزم شناخت دقیق و علمی فعالیت‌های آن‌ها است. از آنجایی که در جوامع درحال توسعه، نیمی از جمعیت در روستاها به سر می‌برند و نیمی از جمعیت روستایی زنان هستند، یکی از راه‌های دست‌یابی به این منابع نیروی انسانی، مطالعه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در عرصه‌های گوناگون است (لهسایی‌زاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

مطالعات و مشاهدات انجام‌شده در مورد مشارکت زنان روستایی حاکی از آن است که زنان کشاورز با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی ایفا می‌کنند. بیشتر کشاورزان معیشتی جهان را زنان تشکیل می‌دهند که تولید ۵۰٪ تا ۶۰٪ از غذای جهان را برعهده دارند (شاهرودی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۴). بر طبق آمار سرشماری سال ۱۳۸۵، سهم زنان روستایی کشور ما در اشتغال، حدود ۱۳٪ اعلام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

۱۳۱). هرچند واقعیت انکارناپذیر این است که زنان روستایی به طور متوسط حدود ۴۰٪ از نیروی کار را در فعالیتهای کشاورزی تأمین می‌کنند، ولی نقش و کار آنان از دید مباحث جامعه‌شناسی روستایی پنهان مانده است (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۱). در کل کشور، سهم اشتغال در بخش کشاورزی ۲۰/۹٪ است؛ سهم زنان از این مقدار ۳۰/۵٪ است که در نقاط شهری ۵/۳٪ و در نقاط روستایی ۵۳/۹٪ می‌باشد. سهم عمده فعالیت اقتصادی در بخش کشاورزی در استان اصفهان ۱۳/۳٪ است. (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۸).

نادیده گرفتن سهم زنان روستایی ایران در فعالیتهای اقتصادی خانواده و نیز در ارزش افزوده ایجادشده در بخش کشاورزی، سبب شده است که تأثیر ارزش کار آنها در محاسبات ملی در نظر گرفته نشود (مهربانیان و مؤذنی، ۱۳۸۶: ۸۹). از آنجایی که رویکردهای مشارکتی به توسعه، از اوایل دهه ۱۳۹۰ شمسی مورد توجه فزاینده قرار گرفته‌اند و به اهمیت مشارکت، به عنوان یک وسیله و نیز یکی از اهداف توسعه پایدار تأکید شده است (زرافشانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۸)، در چنین توسعه‌ای، زنان به مثابه نیمی از افراد جامعه، به مشارکت فراخوانده می‌شوند (صفری شالی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)؛ زیرا، دست یافتن به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در همه عرصه‌ها اعم از عرصه‌های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان‌پذیر نیست. (Gobayan & Hakobian, 2005:14). برای رسیدن به توسعه اقتصادی و برای گذار از کشاورزی سنتی به پیشرفته و افزایش تولیدات و بهره‌وری محصولات کشاورزی، سیاست‌گذاران بخش روستایی باید به نقش و جایگاه زنان در توسعه بخش کشاورزی توجهی ویژه داشته باشند و با تجهیز و توانمندسازی این منبع با ارزش انسانی امکان رسیدن به توسعه کشاورزی را آسان‌تر کنند (حیدری و جهان‌نما، ۱۳۸۲: ۱۲۸).

هدف از انجام این تحقیق، شناسایی میزان مشارکت و تعیین سهم زنان روستایی شهرستان فریدون‌شهر در فعالیتهای بخش کشاورزی است. در این راستا، موانع مشارکت زنان در بخش کشاورزی نیز بررسی شده است؛ براین اساس، پرسش‌های اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱- میزان مشارکت زنان روستایی در محدوده مورد مطالعه در بخش کشاورزی چگونه است؟

۲- عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی چیست؟

۳- موانع مشارکت زنان روستا در بخش کشاورزی کدامند؟

۲.۱. پیشینه تحقیق

کائور^۱ و پونیا^۲ (۱۹۸۸) مشارکت زنان را در فعالیتهای خانه و مزرعه بررسی کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که سطح توسعه روستا، طبقه اجتماعی، درآمد سرانه، وضع اقتصادی و سطح تکنولوژی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری با زمان کار زنان در خانواده داشته است. بل^۳ و شارم^۴ (۲۰۰۸) در تحقیقی به مطالعه نقش زنان روستایی در باغبانی پرداخته‌اند. پس از برداشت میوه‌ها، زنان در اموری مانند تهیه مربا، ژله و ترشی فعالیت می‌کنند؛ درحالی‌که مردان بیشتر به بسته‌بندی و بازاریابی محصولات می‌پردازند. نتایج نشان‌دهنده این است که برای افزایش بهره‌وری، زنان مورد مطالعه نیاز به آموزش از طریق مردان زن و استفاده از تکنولوژی مناسب دارند. همچنین، تعاونی‌ها و سازمان‌های محلی می‌توانند فعالیتهای آن‌ها را بهبود بخشند.

شمس‌الدین^۵ و دیگران (۲۰۰۲) نقش زنان روستایی را در ارتقاء صنایع کوچک کشاورزی ژاپن بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج، بین سطح مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان با سن، اندازه مزرعه و درآمد خانوار رابطه مثبت و معنی‌داری وجود داشته است. خانی و احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی^۵ اجتماعی در مناطق روستایی چیر^۶ یامچی شهرستان زنجان» به این نتیجه دست یافته‌اند که با ارتقاء سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آنان از مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها نیز افزایش می‌یابد. هادیان (۱۳۸۵) در تحقیقی درباره تعیین سهم اقتصادی زنان روستایی در فعالیتهای امور دام در شهرستان جهرم، به این نتیجه رسیده است که میانگین سهم اقتصادی زنان روستایی در کل فعالیتهای مربوط به امور دام، ۲۹/۴۴٪ است که در ۶۲٪ از این فعالیتهای سهم اقتصادی زنان روستایی بیش از ۱۶٪ است. لهسای زاده و همکاران (۱۳۸۴) در مقاله‌ای به بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی استان فارس پرداختند و به این نتایج

1- Kaur

2- Punia

3- Bala

4- Sharam

5- Shames-El-Din

دست یافتند که بین تمهیدات و مشارکت اقتصادی رابطه‌ای معکوس وجود دارد. علاوه بر این، با افزایش سن، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

در طول تاریخ و در جوامع مختلف بشری، برای زن و مرد نقش‌هایی متفاوت در خانواده و جامعه تعریف شده است. با گذشت زمان و تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در نقش‌های زنان و مردان نیز تغییراتی پدید آمده که منجر به دگرگونی در هویت سنتی آن‌ها شده است (خواجانه‌نوری، ۱۳۷۳، به نقل از لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۲۶) بدیهی است هدف از مشارکت بیشتر زنان، صرفاً کسب درآمد نیست؛ بلکه بهبود منافع اجتماعی ناشی از استقلال مالی نیز در مورد توجه آن‌ها است.

بخش دیگر مشارکت زنان در امور اقتصادی، در زمینه فعالیت‌های کشاورزی مرتبط با مالکیت زمین است. در این بخش نیز فرصت‌های اقتصادی به دست آمده برای زنان، بر کارکرد اقتصادی و اجتماعی فعالیت‌های آنان تأثیر زیادی دارد؛ علاوه بر ایجاد تعادل اجتماعی و اقتصادی بین زنان و مردان، به زنان فرصت می‌دهد تا با استفاده از موقعیت‌های جدید و دست‌یابی به سطوح بالاتر تحصیلات، صاحب منابعی اضافی شوند و این تعاملات را به شکل متعادل‌تری به نفع خویش تغییر دهند (سن، ۱۳۸۱: ۸۵)؛ از این رو، لازم است که بخشی از اهداف برنامه توسعه، بر پایه هدایت زنان به سوی تولید درآمدزا برنامه‌ریزی شود تا زنان نیز از لحاظ مالی مستقل شوند. به این طریق، با افزایش قدرت و توانایی زنان در نظارت و مراقبت از بازار کالاهای خود، قدرت تصمیم‌گیری آنان نیز بیشتر می‌شود و استقلالی در خور توجه به دست می‌آورند.

در ارتباط با نقش زنان در توسعه ایران دو گروه صاحب‌نظر وجود دارند: گروهی معتقدند که زنان از طریق ایفای نقش واسطه‌ای و پنهان خود، با فراهم آوردن اوضاع و شرایط مطلوب برای کار مردان و سایر اعضای خانواده، نقش مهمی در تعالی جامعه دارند. گروه دیگر، بیشتر به نقش زنان در عرصه اجتماع توجه دارند و با استفاده از آمار و ارقام تأکید می‌کنند که نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی ناچیز است و باید متحول شود. این گروه با توجه به این موضوع که زنان نیمی از جمعیت هستند، بر این عقیده هستند که استفاده نکردن از نیروی کار زنان، موجب کندی رشد جامعه می‌شود؛ بنابراین، باید شرایطی فراهم آورد تا زنان بتوانند هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی خود را ایفا کنند (شادی‌طلب، ۱۳۷۸: ۲۱۸).

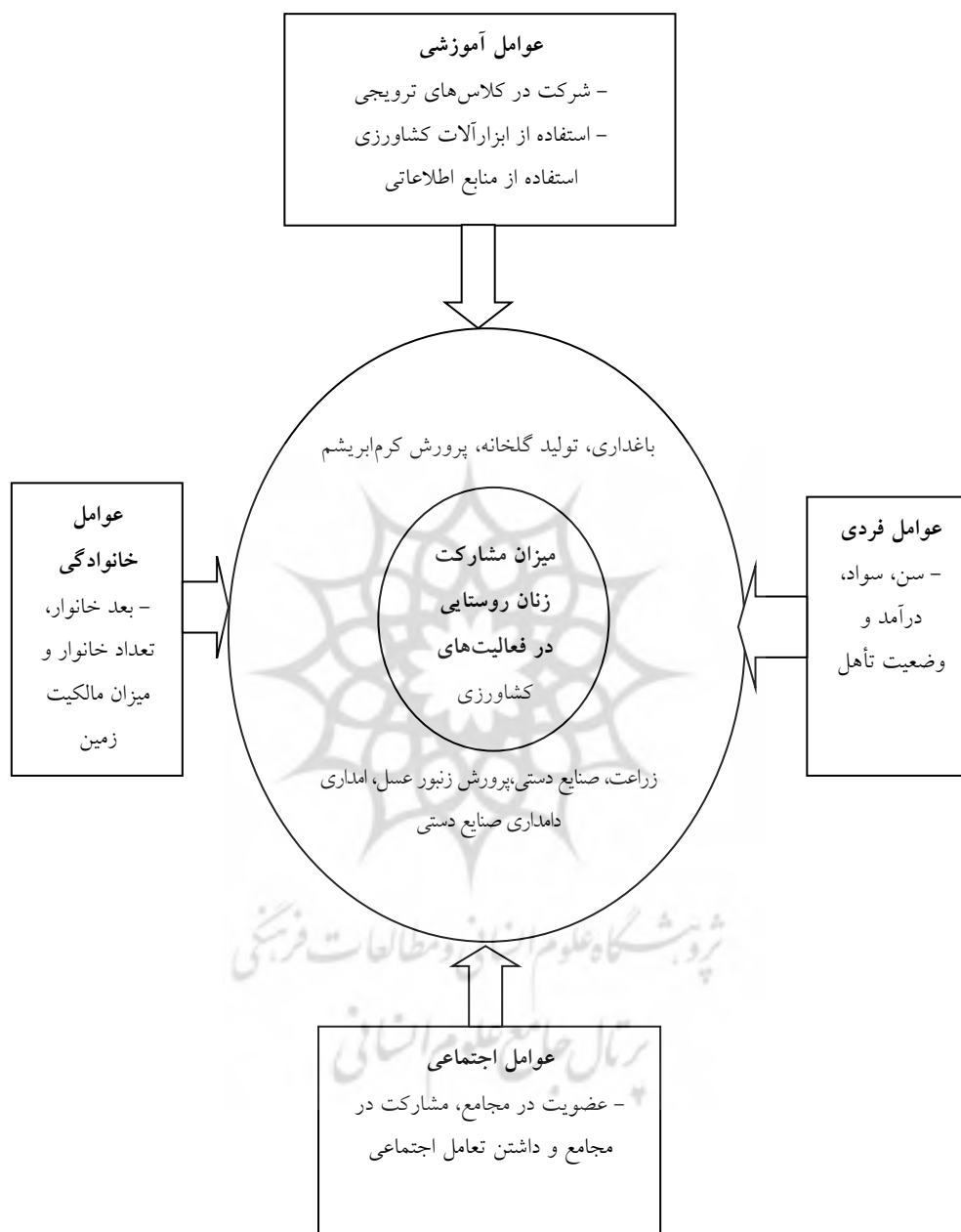
۳. روش‌شناسی پژوهش

۱.۳. روش تحقیق

این مطالعه، پژوهشی کاربردی از نوع پیمایشی است که مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای مبنای تدوین چارچوب نظری موضوع، پیشینه تحقیق و ساخت شناسه‌های سنجش این پژوهش است. گردآوری اطلاعات مورد نیاز به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه پژوهش و با کمک پژوهش‌های صورت‌گرفته تاکنون، انجام پذیرفته است. برای اطمینان از پایداری و اعتبار مفاهیم و گویه‌ها، نخست با دادن پرسشنامه به ۳۰ نفر از افراد جامعه آماری، مطالعه‌ای راهنما انجام شد و در نتیجه، آلفای کرونباخ نزدیک به ۸۵٪ محاسبه شد. پس از تکمیل پرسشنامه از طریق گفت‌وگوهای دقیق با زنان روستایی، در تأیید پرسشنامه نهایی نیز از نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان استفاده شد.

جامعه آماری تحقیق همه خانوارهای روستایی شهرستان فریدون‌شهر بودند. بر طبق آمارهای سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای شهرستان فریدون‌شهر ۹۲۷۵ عدد بوده است که به لحاظ تعداد نفرها، ۳۹۳۹۷ نفر بوده‌اند. از این تعداد خانوار، ۴۳۸۳ خانوار در نقاط روستایی بوده‌اند که به عنوان جامعه آماری این تحقیق، در نمونه‌گیری وارد شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه از دستور عمومی کوکران استفاده شد. به دلیل محدودیت‌های زمانی و اقتصادی و به ویژه گستردگی جامعه آماری با استفاده از دستور تصحیح‌شده، تعداد پرسشنامه‌ها به ۲۵۰ عدد کاهش یافت و پس از بررسی لازم با توجه به شرایط منطقه و میزان همخوانی روستاها، در نهایت، ۱۰ روستا به عنوان نمونه در منطقه مورد مطالعه انتخاب شدند و تعداد نمونه و تعداد روستاها به روش نظام‌مند تعیین شدند. روستاهای نمونه تحقیق عبارتند از: میلاگرد، چوقا از دهستان برف-انبار، کلوسه، مصیر از دهستان پشت‌کوه موگوئی، راجه، اسلام‌آباد از پیش‌کوه موگوئی، چوقیورت، نهضت‌آباد از دهستان چشمه‌لنگان، دره سبب، میدانک بزرگ از دهستان عشایر.

شکل (۱) مدل عملی که حاصل چارچوب نظری پژوهش است، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش را نشان می‌دهد که در آن میزان مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی متغیر وابسته است و عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی و آموزشی که هرکدام زیرشاخه‌هایی دارند، متغیر مستقل است.

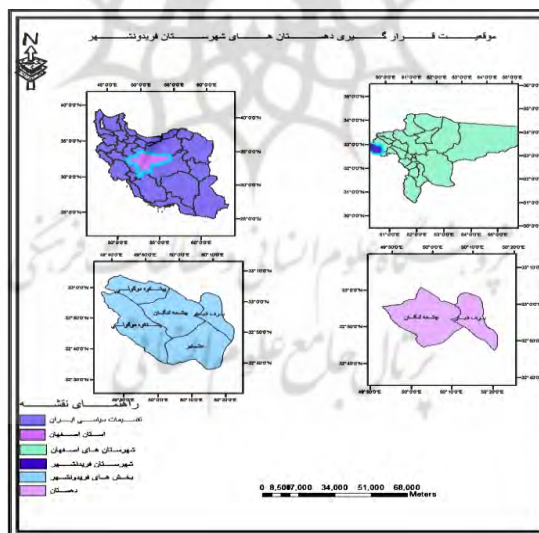


شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۳۹۱

۲.۳. قلمرو تحقیق

شهرستان فریدون‌شهر در شمال غرب استان اصفهان قرار دارد (شکل ۱). این شهرستان با وسعت ۲۲۳۳۷۱ کیلومتر مربع، ۵ دهستان (برفانبار، پشت‌کوه موگوئی، پیش‌کوه موگوئی، چشمه‌لنگان، عشایر) یک بخش و دو نقطه شهری دارد و ۸۵ روستای آن دارای سکنه هستند. از کل جمعیت ۴۱۵۱۶ نفری آن، حدود ۵۰٪ در نواحی روستایی و بقیه در شهر برفانبار و فریدون‌شهر زندگی می‌کنند. بعد خانوار در این شهرستان ۵ نفر است که در نواحی شهری ۴/۳۵ نفر و در مناطق روستایی ۵/۳ نفر می‌باشد. شهرستان فریدون‌شهر وسعتی در حدود ۲۱۵۰۰۰ هکتار دارد که شامل مراتع ۱۳۵۰۰۰ هکتاری، جنگل ۵۰۰۰۰ هکتاری، اراضی کشاورزی ۱۷۸۰۰ هکتاری، مستعدثات و رودخانه و جاده ۱۲۲۰۰ هکتاری است. محصولات عمده شامل این موارد هستند: گندم آبی ۲۴۰۰ هکتار با عملکرد میانگین ۳ تن و ۲۵۰ کیلوگرم؛ دیم ۲۴۰۰ هکتار با میانگین تولید ۱۲۰۰ کیلوگرم؛ جو ۱۶۰۰ هکتار با میانگین تولید ۱۰۰ کیلوگرم؛ سیب-زمینی ۲۰۰ هکتار با میانگین تولید ۲۳ تن و گلزار و ذرت هر کدام به ترتیب، ۸۱ و ۴۰ هکتار هستند (مدیریت جهاد کشاورزی فریدون‌شهر، ۱۳۹۰).



شکل ۲- موقعیت منطقه تحقیق در کشور، استان و شهرستان

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

جدول ۱- توزیع جمعیت در دهستان‌های شهرستان فریدون‌شهر به تفکیک جنس

مأخذ: سالنامه آماری، ۱۳۸۵

دهستان	مرد	زن
برف‌انبار	۳۸۱۱	۳۹۰۶
پشت‌کوه موگوئی	۲۳۳۲	۲۴۱۹
پیش‌کوه موگوئی	۱۱۴۸	۱۲۲۲
لنگان	۱۵۰۴	۱۶۱۱
عشایر	۱۲۱۰	۱۳۵۲

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. عوامل فردی

طبق نتایج به‌دست‌آمده از مجموع ۲۵۰ زن روستایی مورد مطالعه، میانگین سن آن‌ها ۴۱ سال با انحراف معیار ۷۵/۱۴ و با کمینه ۲۰ و بیشینه ۶۵ سال بوده است. از نظر وضعیت تأهل، نزدیک به ۷۹٪ از جامعه آماری، متأهل و بقیه مجرد یا بیوه بودند. همچنین، وضعیت سواد زنان روستایی مورد مطالعه نشان داد که نزدیک به ۵۱٪ از آنان بی‌سواد بودند و ۳۲٪ مدرک سیکل و ۱۷٪ مدرک دیپلم و مدارک بالاتر داشتند. نتایج حاصل از وضعیت درآمد ماهانه زنان روستایی نمونه آماری نشان داد که میانگین درآمد ماهانه برابر با ۳۳۰۰۰۰۰ ریال بوده است که انحراف معیار آن نزدیک به ۱۴۵/۶ است. مقدار کمینه و بیشینه درآمدها به ترتیب، ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و نزدیک به ۸۰۰۰۰۰۰ ریال بوده است. ۳۲٪ بین ۳۰۰۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال و ۵٪ تقریباً بیشتر از ۵۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد داشته‌اند. لازم است بیان شود که زنان مورد مطالعه در تأمین ۲۵٪ از درآمد ماهانه خانوار مؤثر هستند.

میانگین بعد خانوار در روستاهای نمونه تحقیق برابر با ۵/۱ بوده است. همچنین، انحراف معیار برابر با ۱/۵۳ و مقدار کمینه ۱ نفر و بیشینه ۱۱ نفر است. میانگین وسعت زمین در خانوار برابر با ۱۰۳۵/۸۳ متر مربع، با انحراف معیار ۱۰۶۴ و با مقدار کمینه ۵۰ مترمربع و بیشینه یک هکتار بوده است. نتایج به‌دست‌آمده از میزان مالکیت زنان در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول ۲- درصد سهم زنان روستایی از مالکیت

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

فراقد زمین	میزان مالکیت اراضی باغی	میزان مالکیت زمین زراعی	میزان مالکیت دام	میزان مالکیت زن‌بور	مالکیت	اراضی آبی
٪۸۰	٪۲	٪۴	٪۵	٪۲	٪۳	٪۴

۲.۴. عوامل آموزشی

نتایج حاصل از وضعیت شرکت در کلاس‌های آموزشی نشان داد که نزدیک به ۴۸٪ از جامعه نمونه تحقیق در این کلاس‌ها شرکت داشته‌اند. وضعیت بازدهی شرکت در کلاس‌های آموزشی در جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول ۳- وضعیت بازدهی کلاس‌های آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

گویه	خوب	متوسط	ضعیف
درصد	۸	۵۵	۳۷

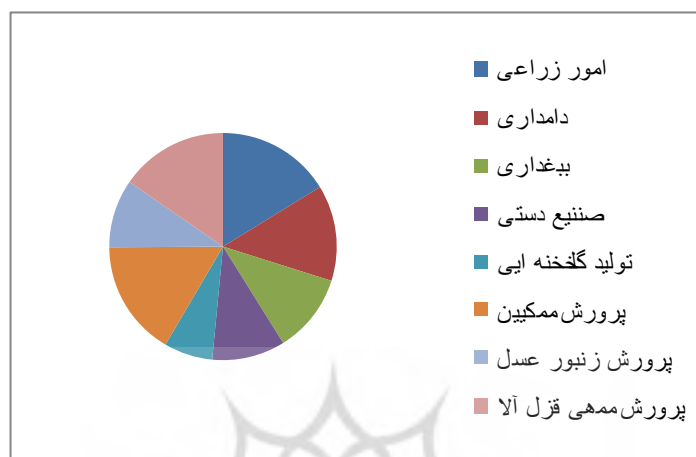
۳.۴. عوامل اجتماعی و اقتصادی

برای تعیین میزان مشارکت زنان در تشکل‌ها و تعاونی‌ها از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد (خیلی زیاد = ۵ و خیلی کم = ۱). بر اساس نتایج به دست آمده، میانگین عضویت در تشکل‌ها و تعاونی‌ها برابر با ۲/۷۵، با انحراف معیار ۰/۹ و مقدار کمینه ۱ و بیشینه ۵ بوده است. همچنین، میزان عضویت زنان روستایی جامعه نمونه تحقیق نشان داد که تنها ۲/۹۰٪ عضو تشکل‌ها و یا تعاونی‌ها بوده‌اند که انحراف معیار حاصل برابر با ۰/۹ بوده است. از نظر تعامل اجتماعی نیز نتایج نشان داد که تقریباً ۲۵٪ از زنان در تصمیم‌گیری‌های مجامع و تشکل‌ها دارای نقش مثبت و مؤثری بوده‌اند.

۴.۴. سهم مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های عمده بخش کشاورزی

از بعد اقتصادی بین ۲۵۰ زن روستایی جامعه نمونه تحقیق، ۷۵٪ در امور زراعی، ۶۳٪ در بخش دامداری، ۵۳٪ در بخش باغداری، ۴۸٪ در بخش صنایع دستی، ۳۲٪ در بخش تولید گلخانه‌ای،

۷۶٪ در بخش پرورش ماکیان، ۴۵٪ در بخش پرورش زنبور عسل و ۷۱٪ در بخش پرورش ماهی قزل‌آلا مشارکت داشته‌اند.



شکل ۳- سهم مشارکت زنان در بخش‌های کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

با توجه به یافته‌های آماری مشخص شد که زنان روستایی در امور کشاورزی مشارکت زیادی دارند که بیشترین مشارکت در فعالیت‌های زراعی و پرورش ماکیان است. با استفاده از روش t تک-نمونه‌ای و طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت (مشارکت خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم، خیلی کم) میانگین مشارکت زنان ۳/۱ به دست آمد که چون این مقدار از عدد ۲/۵ به عنوان میانه نظری برای ارزیابی مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، بیشتر است و اختلاف معنی‌داری نیز مشاهده می‌شود، بنابراین، سطح مشارکت زنان روستایی مورد مطالعه بین متوسط تا زیاد ارزیابی می‌شود. نتایج حاصل در جداول (۴) و (۵) نشان داده شده است:

جدول ۴- میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیت کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
۲۵۰	۳/۱	۱/۱۴	۰/۰۶

جدول ۵- آزمون میانگین مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

T	Df	معنی داری	تفاوت میانگین	زیاد	کم
۱/۷۱	۲۵۰	۰/۰۰۰	۱/۰۲	۰/۹۱	۱/۱۵

۵.۴. عوامل تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی

برای یافتن رابطه همبستگی بین متغیر وابسته میزان مشارکت زنان و متغیرهای مستقل سن، سواد، بعد خانوار، درآمد و مالکیت از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج حاصل در جدول شماره (۶) ارائه شده است:

جدول ۶- رابطه همبستگی مشارکت زنان روستایی و عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

مشارکت	سن	سواد	بعد خانوار	وضعیت تاهل	درآمد خانوار	شرکت در کلاس‌ها	استفاده از ابزار	میزان مالکیت	تعداد دام
ضریب پیرسون	۰/۴۷۴	-۰/۳۷۱	۰/۴۴۱	۰/۱۴۱	۰/۰۳۵	۰/۳۵۱	-۰/۴۲۵	۰/۶۶۷	۰/۵۶۵
سطح معناداری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۵۱۲	۰/۴۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعداد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰

بر طبق جدول (۶) بین تعداد دام، میزان مالکیت، شرکت در کلاس‌های آموزشی، بعد خانوار و سن با میزان مشارکت زنان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد؛ به عنوان مثال، به همان اندازه که میزان مالکیت زنان روستایی بیشتر می‌شود، به همان نسبت میزان مشارکت زنان در روستا افزایش پیدا می‌یابد و در فعالیتهای موجود در روستا فعالیت بیشتری دارند. بین متغیرهای سواد و استفاده از ابزار با مشارکت رابطه منفی و معنی داری مشاهده می‌شود؛ یعنی، هرچه سطح تحصیلات فرد روستایی بالا رود، مشارکت وی در امور روستا کم می‌شود و گاهی در مواردی حتی تمایل به ماندن در روستا ندارد. بین متغیرهای درآمد و وضعیت تاهل و میزان مشارکت زنان نیز رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

۶.۴. موانع مشارکت زنان در بخش کشاورزی

برای بررسی موانع مشارکت زنان از عوامل فردی، اجتماعی و آموزشی استفاده شد که نتایج به دست آمده در جداول (۷) و (۸) و (۹) نمایش داده شده است:

جدول ۷- تحلیل آماری موانع مشارکت زنان از بعد عوامل فردی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

موانع مشارکت	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد
زیادبودن سن	۲/۸۱	۱/۲۵	٪۸۷
وضعیت تأهل	۳/۸	۰/۹۶	٪۶
حجم زیاد کار منزل	۳/۴	۱/۱	٪۷
بی سوادی	۲/۵	۱/۷	٪۸

جدول ۸- تحلیل آماری موانع مشارکت زنان از بعد عوامل اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

سطح مشارکت	میانگین	انحراف معیار	استاندارد
زیادبودن بعد خانوار	۳/۱	۱/۱۷	٪۸۱
ممانعت مردان	۳/۱	۱/۱۳	٪۸۳
تمسخر اهالی	۲	۱/۷	٪۸۶
نداشتن اعتمادبه‌نفس	۱/۹	۱/۱۳	٪۹۴

جدول ۹- تحلیل آماری موانع مشارکت زنان از بعد عوامل آموزشی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

موانع مشارکت	انحراف معیار	خطای استاندارد
دوربودن کلاس	۱/۳۵	٪۸۴
مردبودن آموزگار	۱/۲	٪۸۶
نامناسب بودن سرفصل تدریس	۱/۱۷۱	٪۸۰
تخصصی نبودن	۱/۳	٪۹۱

در بین عوامل فردی، حجم زیاد کار منزل و وضعیت تأهل بیشترین موانع مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی محسوب می‌شوند. در میان عوامل اجتماعی، ممانعت مردان، زیادبودن خانوار، تمسخر اهالی و نداشتن اعتمادبه‌نفس به ترتیب، بیشترین میانگین موانع مشارکتی را دارند. در بررسی عوامل آموزشی، تخصصی‌نبودن و دوربودن کلاس‌ها از بیشترین عوامل ممانعت مشارکت زنان در بخش کشاورزی به‌شمار می‌آیند. آزمون تحلیل موانع مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی، در جدول (۱۰) آمده است:

جدول ۱۰- آزمون تحلیل موانع مشارکت زنان روستایی در بخش کشاورزی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۱

موانع مشارکت	T	df	معنی داری	تفاوت میانگین
زیادبودن سن	۱۷/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۱/۶۱
وضعیت تأهل	۱۵/۷	۲۵۰	۰/۰۰۰	۱/۳۷
حجم زیاد کار منزل	۲۰/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۹۸
بی‌سوادی	۱۲/۱	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۶
زیادبودن بعد خانوار	۱۴/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۳۱
ممانعت مردان	۱۰/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۱/۷۱
تمسخر اهالی	۲/۵	۲۵۰	۰/۲۵۱	۰/۶۸۱
نداشتن اعتمادبه‌نفس	۱۵/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۱
دوربودن کلاس	۷/۸	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۷۱۱
مردبودن آموزگار	۸/۵	۲۵۰	۰/۷۲۵	۰/۴۱۱
نامناسب‌بودن سرفصل‌ها	۶/۳۱	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۷۵۱
تخصصی‌نبودن	۵/۵	۲۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱

با توجه به نتایج جدول (۱۰) ملاحظه می‌شود که بین همه شاخص‌ها به جز تمسخر اهالی و مردبودن آموزش‌دهندگان با میانه نظری ۲/۵، اختلاف معنی‌داری وجود دارد. در این میان، زیادبودن سن، وضعیت تأهل، حجم زیاد کار منزل، زیادبودن بعد خانوار و فقدان اعتمادبه‌نفس زنان تأثیر بیشتری داشته است.

۵. نتیجه‌گیری

زنان روستایی با داشتن تجربه و دانش بومی در زمینه تولید محصولات غذایی، نقش بسیار مهمی در کشاورزی و در نتیجه، تولید ۵۰٪ تا ۶۰٪ از غذای جهان دارند. در ایران نیز این مشارکت در حدود ۴۰٪ برآورد شده است. در این تحقیق نیز مشخص شد که میانگین مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی محدوده مورد مطالعه، حدود ۵۷٪ است. بر طبق نتایج آزمون t استودنت، به ترتیب، سطح مشارکت زنان در امور پرورش ماکیان ۷۶٪، در امور زراعی ۷۵٪، در بخش پرورش ماهی قزل‌آلا ۷۱٪، در بخش دامداری ۶۳٪، در بخش باغداری ۵۲٪، در بخش صنایع دستی ۴۸٪، در بخش پرورش زنبورعسل ۴۵٪ و در بخش تولید گلخانه‌ای ۳۲٪ بوده که این مشارکت در مراحل مختلف تولید بوده است.

از نتایج دیگر تحقیق، آنکه هرچند میزان سهمی که زنان در تولید درآمد خانوار دارند ۲۵٪ است، اما مبلغی به عنوان دستمزد به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و در واقع، آنان «کارکنان خانوادگی بدون مزد» هستند؛ اما به هر حال، زنان توانایی مشارکت بیشتری در امور کشاورزی دارند و می‌توانند در افزایش درآمد و رفاه خانوار مؤثرتر باشند. همچنین، مشخص شد که از میان عوامل فردی، دو عامل سن و سواد بر مشارکت زنان مؤثر هستند؛ به طوری که با افزایش سن، مشارکت افزایش می‌یابد ولی با افزایش سواد، مشارکت کاهش نمی‌یابد. به عبارتی دیگر، زنان جوان روستایی که تحصیلات بیشتری دارند، تمایل کمتری به امور کشاورزی نشان می‌دهند و همین زیادبودن سن کشاورزان، از مشکلات کشاورزی کشور است که باید تمهیداتی اساسی در این زمینه صورت گیرد. وجود رابطه مثبت بین بعد خانوار و میزان مشارکت زنان نیز مؤید همین موضوع است؛ یعنی، مشارکت زنان مسن‌تر - که عمدتاً کم‌سوادتر هستند - در خانوارهای پرجمعیت‌تر، بیشتر است.

بر اساس مدل رگرسیون گام‌به‌گام مشخص شد که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان، میزان مالکیت آن‌ها، شرکت در کلاس‌های آموزشی، سن زنان، بعد خانوار و تعداد دام خانوار بوده است. از آنجاکه زنان مسن در این فعالیت‌ها مشارکت بیشتری دارند، در راستای توانمندسازی آن‌ها و سایر زنان روستایی کشور، موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

- ۱- توجه به نقش‌های جنسیتی؛ یعنی؛ نیازها و توانمندی‌های زنان روستایی در برنامه‌ریزی‌های کشاورزی؛
- ۲- ضرورت استقرار ارزش پولی بر کار غیربازاری زنان روستایی کشور در فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد بانک اطلاعاتی از فعالیت‌های آنان با هدف برنامه‌ریزی‌های بهتر و دقیق‌تر آموزشی، ترویجی و غیره؛
- ۳- توجه به نقش و کارکردهای خاص زنان روستایی کشور در فعالیت‌های کشاورزی و ایجاد بانک اطلاعاتی از فعالیت‌های آنها برای برنامه‌ریزی‌های بهتر و دقیق‌تر آموزشی، ترویجی و غیره؛
- ۴- به دلیل اینکه بیشتر زنان روستایی فعال در بخش کشاورزی منطقه (۷۰٪) بزرگسال هستند و میزان بی‌سوادی در آنها بالا است، ضرورت دارد که به وضعیت سواد و تحصیلات آنها توجه بیشتری شود و از وسایل کمک آموزشی از قبیل نمایش فیلم، سخنرانی، ارائه نمونه‌های عینی و مزارع نمونه برای آموزش و ترویج استفاده شود؛
- ۵- به سبب بالابودن بعد خانوار در منطقه (۵/۱ نفر) ادامه سیاست‌های کنترل جمعیت در کاهش حجم کارهای خانه مؤثر است و می‌تواند فرصت بیشتری برای کسب آموزش و دانش‌افزایی زنان فراهم سازد؛
- ۶- با هدف افزایش اعتمادبه‌نفس زنان روستایی، آگاه‌سازی آنان نسبت به استعدادها، تجربیات و نقشی که در کشاورزی دارند، از طریق رسانه‌های گروهی و کلاس‌های آموزشی، ترویجی و غیره مؤثر است.

کتابنامه

- ۱- حیدری، غ. ر. و جهان‌نما، ف. (۱۳۸۲). «توانایی‌های زنان در بخش کشاورزی- روستایی». فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۱. شماره ۶، صص ۱۲۹-۱۶۴.
- ۲- خانی، ف. و احمدی، م. (۱۳۸۸). «تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی- اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: محدوده روستایی چیر- یامچی شهرستان زنجان)». فصلنامه زن در توسعه و سیاست. شماره ۲۷، صص ۹۵-۱۱۳.

۳- زرافشانی، ک. و دیگران. (۱۳۸۸). «تبیین جایگاه مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی-ترویجی بر اساس نردبان مشارکت شری ارنستین». مجله پژوهش زنان. دوره ۷. شماره ۳، صص ۱۰۷-۱۲۸.

۴- سن، آ. (۱۳۸۱). «توسعه به مثابه آزادی». ترجمه حسین راغفر، چاپ اول. تهران: انتشارات کویر.

۵- شادی‌طلب، ژ. (۱۳۸۱). «توسعه و چالش‌های زنان ایران». تهران: نشر قطره.

۶- شاهرودی، ع. و دیگران. (۱۳۸۶). «مؤلفه‌های توانمندسازی زنان و تبیین عوامل موثر بر آن‌ها». فصلنامه پژوهش زنان. دوره ۵. شماره ۱، صص ۵-۲۶.

۷- صفری شالی، ر. (۱۳۸۵). «عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی». مجله پژوهش زنان. دوره ۶. شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۵۹.

۸- گیدنز، آ. (۱۳۷۳). «جامعه‌شناسی». ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

۹- لهسایی‌زاده، ع. ع.؛ جهانگیری، ج. و خواجه‌نوری، ب. (۱۳۸۴). «بررسی مشارکت اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: استان فارس)». مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۶. شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۴۵.

۱۰- مهربانیان، ا. و مؤذنی، س. (۱۳۸۶). «نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: آسیا)». ماهنامه علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد. شماره ۲۸۷، صص ۱۷۶-۱۹۵.

۱۱- هادیان، ا. و سحرخیز، ع. (۱۳۸۵). «تعیین سهم اقتصادی زنان روستایی در فعالیت‌های امور دام (مورد مطالعه: شهرستان جهرم)». مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی). جلد ۲۱. شماره ۲، صص ۲۱-۳۹.

12-Bala, B. & Sharam, S.D. (2005). "Contribution of tribal women in temperate horticulture". Acta Horticulture Journal, (ISHS) 696, pp. 583-588.

13-Collins, R. (1975). "Conflict sociology". New York: Academic press Inc.

14-Gobayan, I. & Hakobian, L. (2005). "Rural women participation in decision making in America". Available at: <http://thepoint.gm/amrica/>

15-Kaur, S. & Punia, R.K. (1988). "Work participation of women in rural households: An empirical study in Guru Nanak". Journal of Sociology. Vol.9, No.2, pp. 51-77.

16-Shames-El-Din M.S.; Yutaka, T.; Kim, J.; Wang, Z.G. & Kai, S. (2000). "The role of women in promoting small industries as an example of socio-economic activities: An overview on the Japanese experience". Journal of the faculty of agriculture Kyushin University. Vol. 45. No. 1, pp. 335-347.

17-Turner, J.H. (1998). "The struture of sociological theory". WadsworthL dorsy press.